



فیش منبر

حضرت ابوالفضل علیه السلام

ویژگی های حضرت عباس علیه السلام



کانال فیش منبر و مرثیه در اینجا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

ویژگی های جسمی

حضرت عباس (ع) دارای زیبایی ویژه ای بود و چهره دلربایش، هر بیننده ای را به تحسین وامی داشت. او چون ماه تمام، در میان هاشمیان می درخشید. جدّ او، عبد مناف را «ماه مکه» و عبدالله، پدر پیامبر اکرم (ص) را «ماه حرم» می خواندند. حضرت عباس (ع) نیز «ماه بنی هاشم» لقب گرفت تا لقب گویایی برای چهره رعنا و دلکش او باشد. گذشته از آن، در بین بسیاری از گزارش های تاریخی در راستای ویژگی های جسمی حضرت عباس (ع) آمده است :

«كَانَ الْعَبَّاسُ (ع) رَجُلًا وَسِيمًا جَسِيمًا جَمِيلًا وَيَرْكَبُ الْفَرَسَ الْمُطَهَّمَّ وَ رَجُلَاهُ تَخْطَانِ فِي الْأَرْضِ؛ عباس (ع)



مردی زیبا، تنومند و آراسته بود که هر گاه بر اسب
تناوری سوار می شد پاهایش به زمین می رسید.» ۱



هم چنین ورزیدگی اندام و تناسب اعضای او، بیانگر
توان جسمی بالای او بود که از پدر به ارث برده بود.
دلیل دیگر قدرت جسمی او، افزون بر فرآیند ارثی، این
بود که حضرت عباس (ع) از کودکی با ورزش و چالاکی
انس داشت. مشهور است امام علی (ع)، از همان سنین
کودکی، فنون رزمی مانند: کشتی، شمشیرزنی،
تیراندازی و سوارکاری را به او می آموخته و گاه خود با
او به ورزش می پرداخته است.

از جمله بازی های دوران کودکی عباس (ع)، بازی
«مداحی» بوده که تا اندازه ای شبیه به ورزش گُلَف است

و در ایران زمین، به چوگان معروف بوده است. در این بازی دو طرف می کوشند گویی (توپ) را با کمک چوبی به چاله ای بیاندازند که متعلق به طرف مقابل است. این گونه سرگرمی ها، به ورزشی روزافزون کودکان می انجامید. ۲

ویژگی های روحی و اخلاقی

۱- جنگ آوری و شجاعت

همان گونه که گذشت، حضرت عباس (ع) مردی درشت اندام و تنومند بود و از کودکی، با ورزش و کارهای سخت و طاقت فرسا انس داشت. نوشته اند روزی امام علی (ع) در مسجد نشسته بود و با مردم صحبت میکرد که مردی اعرابی وارد مسجد شد. سلام



کرد و صندوقی را که همراه داشت، بر زمین گذاشت و به حضرت گفت: «ای پیشوای من! پیش کشی برای شما آورده ام.»

آن گاه در صندوقچه را گشود و شمشیری آب دیده و منحصر به فرد را از آن بیرون آورد و به حضرت تقدیم کرد. در همین هنگام، حضرت عباس (ع) که نوجوانی رشید بود، وارد شد و پس از سلام، با ادب در گوشه ای نشست. نگاهش در برق شمشیر گره خورد. حضرت علی (ع) متوجه علاقه و شگفت زدگی عباس (ع) شد و از او پرسید: «پسرم دوست داری این شمشیر برای تو باشد؟» عباس (ع) پاسخ داد: «آری، پدر!». حضرت برخاست و با دست خود، شمشیر را بر قامت استوار او،





حمایل کرد. سپس به برازندگی شمشیر بر اندام رشید و تناور فرزندش نگریست و اشک بر محاسنش جاری شد. حاضران پرسیدند: «یا امیر المؤمنین (ع)! چرا گریه می کنید؟» حضرت فرمود :

«روزی را می بینم که او با این شمشیر، نفس دشمن را در سینه حبس می کند و بی امان بر آنان می تازد و سرانجام به شهادت می رسد.» ۳

آری، عباس (ع) شمشیر و شجاعت را از پدر به ارث می برد و مثنوی بلند مقاومت و ایثار را در شعر شانه و شمشیر می سراید و دشمن را از بیم برق شمشیرش، هراسان می سازد. دشمنان در کربلا، دست به نیرنگ می آلاینند و برای او امان نامه می فرستند ولی ناامید می

شوند. گروهی به او حمله می کنند و پشیمان می شوند.

سرانجام به دسیسه ای دیگر روی می آورند و

ناجوانمردانه در خونس می کشانند. امام حسین (ع) نیز

با دیدن بدن غرقه به خون او، بهوسیله جملهای کوتاه،

تفسیری بلند از شجاعت عباس ارائه میدهد و در

سروده ای منسوب به خود می فرماید :

أَلْيَوْمَ نَامَتْ أَعْيُنُ بَكٍّ لَمْ تَتَمَّ

وَتَسَهَّدَتْ أُخْرَى فَعَزَّ مَنَامُهَا؛

چشم هایی که دیشب از ترس تو نخوابیده بودند،

امشب به خواب خواهند رفت.» ۴



درخشش او در جنگ های گوناگون به ویژه کربلا،
یادآور نبردهای پیروزمندان علی (ع) است. او با سه تن
از شجاعانِ دشمن، به نام های «مارد بن صدیف»،
«صفوان بن ابطح» و «عبدالله بن عقبه غنوی» قهرمانانه
می جنگد و آنها را به هلاکت رسانده و یا فراری می
نماید. ۵ در این باره سروده اند:

عَبَسَتْ وَجُوهُ الْقَوْمِ خَوْفَ الْمَوْتِ
وَ الْعَبَّاسُ (ع) فِيهِمْ ضَاحِكٌ يَتَبَسَّمُ
لَوْلَا الْقَضَا لَمَحَا الْوُجُودَ بِسَيْفِهِ
وَ اللَّهُ يَقْضِي مَا يَشَاءُ وَ يُحْكِمُ؛ ۶



چهره دشمن از ترس مرگ در هم کشیده شده بود، در حالی که عباس (ع) در میان آنان خندان بود و لبخند به چهره داشت. اگر قضای الهی نبود، هستی را با شمشیرش نابود می کرد، اما هر آن چه پروردگار بخواهد و فرمان دهد، همان خواهد شد.»

۲- دانش و بینش

حضرت عباس (ع) در عرصه دانایی و معرفت، شخصیت برجسته ای است. او وجودی سرشار از درک پاک و عمیقی است که از منشأ علم الهی حضرت علی (ع) سرچشمه گرفته و جریان یافته است. در باره دانش او گفته شده است :



«وَقَدْ كَانَ مِنْ فُقَهَاءِ أَوْلَادِ الْأَئِمَّةِ؛ عَبَّاس (ع)، از جمله

فرزندان دانشمند امامان علیهم السلام است.» ۷

در روایتی، یکی از پیشوایان معصوم، علیهم السلام،
شخصیت علمی و جایگاه معرفتی او را این گونه ترسیم
می فرماید :

«إِنَّ الْعَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) زُقَّ الْعِلْمَ زَقًّا؛ به درستی که
عباس بن علی (ع)، دانش را از سرچشمه نوشیده است،
نوشیدنی! ۸ در این سخن ارزشمند، همانند سازی
لطیفی در واژه زُقَّ نهفته است. عرب، این فعل را درباره
کبوتر به کار می برد؛ آن هنگام که غذا را برچیده و نرم
می سازد تا به جوجه اش بخوراند. این همانند سازی در
حدیث، گویای دانش اندوزی ایشان از آموزگار توانای



دانش ها، و چشمه سار حقیقت و معرفت، امام علی (ع) است و این گونه بیان می دارد که حضرت عباس (ع) توشه دانش خود را از والا گهرترین گنجینه دانش، امام علی (ع) برچیده است.

این تعبیر زیبا، در جایی دیگر نیز درباره این خاندان به کار می رفته، ولی نه از زبان دوست، بلکه از زبان دشمن زبون! وقتی امام سجاد(ع) در بند اسارت بود و به سبب خواهش مردم از یزید، برای دادن اجازه سخنرانی به ایشان، بالای منبر مسجد اموی رفت و داد سخن سر داد، یزید از فرط ناراحتی، زیر لب غرید و گفت :

«إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ زُقُوفِ الْعِلْمِ زَقَاً؛ آخر او از خانواده ای است که از دانش سیراب اند.» ۹.



حضرت عباس (ع) زلال معرفت را جرعه جرعه از دست ساقی کوثر، علی (ع)، نوشیده و به بینشی ژرف رسیده بود. هنگامی که پنج بهار را بیشتر به خود ندیده بود، روزی بر زانوی پدر نشسته، درس معرفت می گرفت. پدر به او شماردن را می آموزد و می فرماید: «فرزندم! بگو یک». عباس (ع) می شمارد. پدر می فرماید: «بگو دو»! پاسخ عباس (ع) از مفهوم شمارش، بسیار عمیق تر است. در پاسخ می گوید :

«إِنِّي أَسْتَحْيِي أَنْ أَقُولَ اثْنَيْنِ بِاللِّسَانِ الَّذِي قُلْتُ بِهِ وَاحِدٌ؛ پدر خجالت می کشم با زبانی که یکتایی پروردگارم را ستوده ام و او را یکتا شمرده ام، بگویم

دو! پدر دست تحسین بر سر کودک خود می کشد و چشمان او را می بوسد. ۱۰



این گونه است که امام صادق (ع) فرمود :

«كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ (ع) نَافِذَ الْبَصِيرَةِ؛ عموی ما عباس (ع) بینشی ژرف داشته است». ۱۱

۳- ادب و فروتنی

یکی از ارزش های والای انسانی و اسلامی، رعایت ادب و فروتنی نسبت به افرادی است که در مقایسه با انسان، دارای برتری باشند.

امیر المؤمنین (ع) به این ارزش والا، بسیار سفارش می کرد و میفرمود: «لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ؛ هیچ میراثی



گرانبها تر از ادب نیست.» ۱۲ آن بزرگوار، همواره پاسداری از این میراث گرانبها و ارزشمند را به فرزندان خویش وصیت می کرد: «فرزندم! هیچ گاه در برخورد هایت، کسی را تحقیر مکن؛ زیرا او یا بزرگ تر از تو است که جای پدرت به شمار می رود، یا همانند توست که جای برادرت است، یا کوچک تر از توست که جای فرزندت خواهد بود.» ۱۳

حضرت عباس (ع) که پرورش یافته این مکتب درخشان است، سفارش های پدر بزرگوار خود را به بهترین صورت عملی کرد و تا آن جا پیش رفت که نام او در دیباچه دفتر ادب و فروتنی نقش شد. هم اکنون نام گرامی او در بین عامه مردم یادآور این ارزش گران

قدر اسلامی است. در تاریخ، نمونه های گویایی از این ویژگی ایشان به چشم می خورد. وی هرگز بدون اجازه در محضر امام حسین (ع) نمی نشست و پس از اجازه گرفتن نیز بسیار فروتنانه - به صورت دو زانو - در گوشه ای می نشست. ۱۴

آن بزرگوار در طول عمر خود هرگز برادرانش را به اسم یا کنیه، یا با خطاب «برادرم!» صدا نمی زد، بلکه با تعبیرهایی مؤدبانه مانند «فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه وآله!»، «مولای من!» و «سرور من!»، جایگاه بلند ایشان را پاس می داشت و مانند دیگر دوستداران، بدون در نظر گرفتن برادری خویش، آنان را مورد خطاب قرار می داد. ۱۵



۴- ایمان و بصیرت

ایمان و خدامحوری، رمز پیروزی بزرگ مردان جهان، در رویارویی با دشمنان خدا به شمار می رود و تنها نیرویی است که با تکیه بر آن، کاخ های ستمکاری و دشمنی با دین، فرو می ریزد.

امام صادق (ع) در آغاز زیارت نامه حضرت عباس (ع)، او را با صفت ایمان و خداباوری خوانده و در پایان، بر ایمان محض و بصیرت والای ایشان گواهی داده است و می فرماید:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضِيَّتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ؛ گواهی می دهم که تو لحظه ای از خود



سستی نشان ندادی و برنگشتی، بلکه مَشی تو بر ایمان
و بصیرت در دین رقم خورده بود». ۱۶



حضرت عباس (ع)، معصوم نبود و به رهبری امام
خویش نیاز واقعی داشت. البته ایمان وی سبب پیدایش
عصمت عملی بدون تشریع از ناحیه خداوند شده بود و
مانند پیشوایان معصوم خویش از گناه دوری می کرد.
«سید عبدالرزاق مقرر» تاریخ نویس معاصر شعری از
علامه میرزا محمد علی اردوبادی بدین مضمون نقل می
کند :

«عباس (ع) که عالم به قرآن، آگاه به طریق هدایت،
علم و دین و منسوب به خمسه طیبه علیهم السلام است،
شأنش را بسی والاتر از آن می دانم که تیری پرتاب

کند و به هدف ننشیند یا کرداری از او سر زند و به گناه
آلوده شود. ما عصمت را در او، همانند زاده رسول
خدا(ص) شرط نمی دانیم، ولی چنین نیست که بگوییم
گناهی از او سر زده باشد.» ۱۷

هم چنین به نقل از عالم بزرگ، شیخ محمد طه نجف می
نویسد :

«او مقامش بلندتر از آن است که در این مقال از او یاد
شود، بلکه مناسب است از او هنگام ذکر ائمه معصومین
علیهم السلام که درود خداوند بر آنان باد، سخن رانده
شود.» ۱۸

بهترین دلیل بر ایمان والای حضرت عباس (ع)، سخن
امام صادق (ع) درباره ایشان است که در زیارت نامه



حضرت آمده است که می فرماید: «خداوند لعنت کند
مردمی را که مقام والای تو را نشناختند و حرمت این
جایگاه بزرگ را شکستند.» ۱۹

۵-عبادت

حقیقت پرستش، فروتنی روح و جسم انسان در برابر
پروردگار است و از ایمان او سرچشمه می گیرد. هر چه
درجه ایمان و شناخت بیشتر باشد، بندگی عمیق تر می
شود. پرستش گران راستین در دنیا و آخرت به خوبی
شناخته می شوند. اینان در آخرت با رویی درخشان و
تابناک محشور می شوند و در دنیا نیز آثار بندگی و
پرستش در سیمایشان پدیدار است: «سیماهم فی



وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ؛ علامتِ آنان، اثر سجده در
چهره هایشان است. ۲۰



حضرت عباس (ع) پرستش گر راستین آفریدگار
خویش بود و نشانه های عبادت در سیمای معصوم او
آشکار بود. اثر سجده های طولانی بر پیشانی اش نقش
بسته بود تا آن جا که قاتل او می گوید: «وی نیکو چهره
و رشید بود که در پیشانی اش اثر سجده می
درخشید». ۲۱

او در آخرین شب زندگانی خویش، به همراه دیگر
یاران باوفای امام حسین (ع) (سرگرم راز و نیاز می شود
و با توسن نیایش، به کرانه های روشن بندگی می
شتابد. آن شب، خیمه ها در روشنی فرو می رود و جاده

های سبز قنوت در امتداد دست ها به آسمان کشیده
می شود. زمزمه های عاشقانه در نسیم گرم کربلا می
پیچد و فضا را دل نشین می سازد تا آن جا که برخی
نگاشته اند: دشمنان در همان شب، از نیایش آنان
دگرگون می شوند و سی و دو نفر از آنها به خیل
عاشوراییان می پیوندند. ۲۲

پی نوشت:

جلاء العیون، محمد باقر المجلسی، قم، انتشارات سرور، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ . ش، ص ۶۷۸
؛ مقاتل الطالبیین، ص ۵۶ ؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۹ ؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۳۰ ؛
ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۱ ؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۲۸ ؛ وسیله الدارین، ص ۲۶۵

نگرشی تحلیلی به زندگانی امام حسین (ع)، عباس محمود عقّاد، برگردان مسعود
انصاری، تهران، نشر پردیس، ۱۳۸۰ هـ . ش، ص ۵۷.

ابو القربه، مجید زجاجی کاشانی، تهران، انتشارات سبحان، چاپ دوم، ۱۳۷۹ هـ . ش، ص
۳۴.

معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۴۳ ؛ وسیله الدارین، ص ۲۷۰.



كبريت الأحمر، ص ٣٨٧.

معالي السبطين، ج ١، ص ٤٣٧.

تنقيح المقال، ج ٢، ص ١٢٨.

شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، بيروت، دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧٨ هـ . ق، ج ١٩، ص ٣٩٣ ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ١٣٧ ؛ مقتل الحسين(ع) (بحر العلوم، ص ٣١٢.

بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ١٣٨.

مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، بيروت، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، چاپ دوم، ١٤٠٨ هـ . ق، ١٩٨٨ م، ج ١٥، ص ٢١٥ ؛ مقتل الحسين(ع) (للخوارزمي، ج ١، ص ١٢٢ ؛ مقتل الحسين(ع) (بحر العلوم، ص ٣١٢ ؛ كبريت الأحمر، ص ٤٠٦ ؛ رياحين الشريعة، ص ٣، ج ٥٤

ايعان الشيعة، ج ٧، ص ٤٣٠.

نهج البلاغه، حكمت ٥١ .

كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندي، بيروت، مؤسسة الرساله، بى تا، ج ١٦، ص ٢١٧.

معالي السبطين، ج ١، ص ٤٤٣.

بطل العلقمي، ج ٢، ص ٤٤٣ و ٤٤٤.

المزار، محمد بن محمد بن النعمان الشيخ المفيد، بى جا، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد، چاپ اول، ١٤١٣ هـ . ق، ج ٥ - ٣، ص ١٢٦ - ١٢١ ؛ كامل الزيارات، ابن قولويه



قمی، برگردان محمد جواد ذہنی تهرانی، تهرانی، انتشارات پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷ھ .
ش، ص ۷۸۶ ؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۱۷ - ۲۰۶ ؛ مصباح المجتهد، الشیخ الطوسی،
تصحیح اسماعیل الانصاری الزنجانی، بی تا، بی نا، ص ۶۷۰ - ۶۶۸ ؛ مصباح الزائر، ص ۲۱۴ - ۲۱۷ .

العباس (ع)، ص ۱۳۲

همان.

المزار، ج ۵ - ۳، ص ۱۲۶ - ۱۲۱ ؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۱۷ - ۲۰۶ ؛ مصباح المجتهد، ص
۶۶۸ - ۶۷۰ ؛ مصباح الزائر، ص ۲۱۴ - ۲۱۷ ؛ کامل الزیارات، ص ۷۸۶ .

فتح: ۲۹ .

مقاتل الطالبیین، ص ۳۲ .

نفس المهموم، ص ۱۱۸ ؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴ .

منبع: پایگاه حوزه نت

